

اقتصاد و انقلاب اسلامی ایران و بررسی مقایسه‌ای نظریه‌های اقتصاد انقلاب اسلامی ایران

عنوان: اقتصاد و انقلاب اسلامی ایران و بررسی مقایسه‌ای نظریه‌های اقتصادی انقلاب اسلامی ایران
 نویسنده: مهدی رهبری
 تهران؛ ۱۳۸۲
 ناشر: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۳۴۰ صفحه
 سمیه زارع و سکینه حاجی‌امینی

جمله لنین، لوکاج، گرامشی، اسکاچپول و... همچنین نظریه‌پردازان توسعه‌ی وابسته و نظام بین‌الملل پرداخته که از نظر این رهیافت، انقلاب حاصل منازعه‌ی طبقاتی معرفی شده که نتیجه‌ی آن نیز سلطه‌ی یک طبقه بر طبقه دیگر است.

در نظریه‌های اقتصادی غیر مارکسیستی، به بیان اندیشه‌های ارسطو، دیوس و عقاید اقتصادی چند تن از متفکران معتقد به چند عاملی بودن وقوع انقلاب می‌پردازد و در نهایت در بحث نظریه‌های اقتصادی درباره‌ی انقلاب اسلامی ایران چهار نظریه‌ی: استبداد نفتی، نوسازی شتابان، دولت تحصیل‌دار و توسعه‌ی ناموزون را مطرح کرده و البته در کنار آنها به نظریات دیگر نیز اشاره کرده است.

محقق در بخش دوم نگاهی به اقتصاد ایران و ساختار آن در سالهای ۵۷-۱۳۳۲ داشته زیرا به نظر وی با شناخت وضعیت اقتصادی کشور می‌توان نظریه‌های اقتصادی انقلاب را با شرایط وقوع آن تطبیق داد.

محقق در بخش سوم به رابطه متغیرهای اقتصادی بیان شده در نظریه‌های بخش‌های نخست با واقعیت اقتصادی ایران قبل از

کتاب «اقتصاد و انقلاب اسلامی ایران» اثر مهدی رهبری، به عنوان یکی از موضوعات طرح تدوین تاریخ انقلاب اسلامی ایران، توسط «انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی ایران» در سال‌های ۱۳۷۹ و ۱۳۸۳ منتشر شده است. در این کتاب محقق تلاش می‌کند نظریه‌های اقتصادی انقلاب‌ها را با انقلاب اسلامی ایران تطبیق داده و میزان انطباق‌پذیری این نظریه‌ها را با آن بررسی کند. کتاب حاضر از سه بخش با عنوان‌های نظریه‌های اقتصادی انقلاب (در قالب سه فصل)، اقتصاد ایران در سالهای ۵۷-۱۳۳۲ (در قالب شش فصل) و متغیرهای اقتصادی انقلاب و انقلاب اسلامی ایران (در قالب ۱۲ فصل) ارائه شده است.

در بخش اول کتاب محقق تنها به بیان نظریه‌های اقتصادی انقلاب می‌پردازد و نظریه‌های اقتصادی را به سه دسته‌ی عمده‌ی: نظریه‌های مارکسیستی، نظریه‌های اقتصادی غیرمارکسیستی و سپس نظریه‌های اقتصادی درباره‌ی انقلاب اسلامی تقسیم می‌کند.

محقق در نظریه‌های مارکسیستی انقلاب، به بیان اندیشه‌های مارکسیستی و سپس برخی اندیشمندان مارکسیست قرن بیستم از



سال ۵۷ که سبب وقوع انقلاب شده بود، پرداخته است. البته هدف محقق در این تحقیق پاسخگویی به این سئوالات است: آیا می‌توان انقلاب ایران را انقلابی اقتصادی نامید؟ نظریه‌های اقتصادی انقلاب و عوامل اقتصادی مطرح شده در نظریه‌های چند عاملی، تا چه میزان با شرایط وقوع انقلاب اسلامی مطابقت دارند؟ و سرانجام این که عوامل واقعی اقتصادی وقوع انقلاب اسلامی کدامند؟

محقق در پایان کتاب یادآور می‌شود که تنها علل اقتصادی باعث فروپاشی سلطنت پهلوی و وقوع انقلاب اسلامی ایران در سال ۵۷ نبوده بلکه عوامل مؤثر دیگری نیز وجود داشته که اهمیت آنان کمتر از علل اقتصادی نبوده است.

وی با استفاده از نظریه لونی می‌گوید: چون سیاست اقتصادی رژیم برپایه درآمدهای نفتی و کمک مالی آمریکا صورت می‌گرفته، هرگونه کاهش این درآمد و کمک‌ها، اقتصاد را دچار مشکل کرده و به علت کاهش سیاست‌های رفاهی باعث نارضایتی جامعه شد.

محقق تأکید می‌کند فقر گسترده‌ی بسیاری از افراد جامعه، بویژه ساکنان روستاها و احساس ناتوانی مالی بسیاری دیگر در مقایسه با زندگی افراد تازه به دوران رسیده، مردم را به این نتیجه رسانده بود که ثروت سرمایه‌داران وابسته به دربار، نتیجه‌ی چپاول ملت است و هرگونه ستیز با آنان، امری حق و مشروع است و این فاصله‌ی طبقاتی که حاصل فاصله‌ی اقتصادی و فرهنگی مردم با یکدیگر بود، نتیجه‌ی جز انقلاب در پی نداشت. البته محقق بیان می‌کند که عوامل اقتصادی ذکر شده تنها در ترکیب با ایدئولوژی اسلامی، حالت انقلابی به خود می‌گیرد و از این نظر نقش مؤثری در وقوع انقلاب ایفا نمودند، در غیر اینصورت می‌توانند تنها شکل اعتراض و انتقاد مسالمت‌آمیز داشته باشند. البته شعارهای انقلابی در آن زمان نیز حاکی از آن است که هرگز نمی‌توان نسبت به عامل اقتصاد در وقوع انقلاب اسلامی بی‌تفاوت ماند.

نویسنده در پایان متذکر می‌شود که هیچ یک از نظریه‌های اقتصادی ذکر شده، به تنهایی پاسخ‌گوی علل انقلاب اسلامی در کل و یا از بعد اقتصادی آن نیستند، بلکه هریک تنها گوشه‌ای از زوایای تاریخ آن را آشکار می‌سازند و از این رو دارای قدرت نسبی تبیین انقلاب اسلامی هستند.

نقد و بررسی

• به‌منظور انسجام مطالب، شایسته‌تر بود که در فهرست‌بندی از یک وحدت رویه پیروی می‌شد. مثلاً بخش دوم اقتصاد ایران در سال‌های مختلف از ۱۳۳۲-۱۳۵۷ که به بخش‌های ۱۰ ساله تقسیم

شده، در همه‌ی فصول امور عمومی - دفاعی، اجتماعی و اقتصادی مورد بررسی قرار می‌گرفت.

• در بخش سوم متغیرهای اقتصادی انقلاب اسلامی ایران مشخص نیست که این متغیرها و مؤلفه‌ها کدامند؟ زیرا برخی از عناوین مطرح شده متغیر نیستند، بلکه مقوله و یا مؤلفه هستند.

• چارت منسجم و مرتبی برای این کتاب مفید، لازم است.

• عمده منابع قابل استفاده در کتاب قدیمی است.

• استفاده از منابع و مأخذ فارسی و لاتین به‌طور گسترده از ویژگی‌های مثبت کتاب است.

• در پایان آمده است: (همه‌ی تلاش این کتاب) رد عامل اقتصادی در کنار سایر عوامل به عنوان عامل تسهیل‌کننده‌ی وقوع انقلاب عمل نموده و نقش مهمی در این زمینه داشته است (ص ۳۰۱). این امر که بدیهی است حق این بود که میزان این عامل مشخص شود.

در پایان می‌توان گفت از نظر شکلی کتاب دارای جنبه‌های مثبتی است و معرفی نمایه‌ی اشخاص، سازمان‌ها، کتب و نشریات از نکات مثبت این اثر است.